

با اجازه مافوق ترین نیروی قدرت و عظمت
یک محیط سعادتِ درخشندهٔ وحدت نوین جهانی

الَّذِينَ إِذَا إِصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

(آنان که چون به حادثه سخت و ناگواری دچار شوند صبوری پیش گرفته و گویند ما به فرمان خدا آمده و به سوی او رجوع خواهیم کرد)

(تفسیر آیت الله مهدی الهی قمشه ای)

به قلم حشمت الله دولتشاهی (حشمت السلطان) دارای دکترای افتخاری فلسفه از دانشگاه بین المللی لندن، رم، پاریس و کانادا

تشریفات تحول، "مرگ"

هان ای خواهران و برادران عزیز جهان را به چشم خرد مشاهده کنید و اندیشه کنید.

اگر آدمی به دستگاه یزدانی راه یابد یعنی خودشناس، یزدان شناس، یزدان دوست و یکتا پرست واقعی شود، به طوریکه خود را با نیروی عالم بی ابتدا و بی انتها برحسب سرشت و سرنوشت مرتبط کند تا حدی روشن بینی و درک مجهولات برایش میسر گردد.

هرگاه فردی به اسباب و ابزار آفرینش نزدیک شده و آشنایی حاصل نماید و نیز ارتباط برقرار کند دیگر از تحول (مرگ) بیمی نداشته و نمی هراسد.

بهره برداری از دستگاه آفرینش احتیاج به آمادگی فردی دارد مانند عشق، علاقه، پشتکار، ایمان، تسلیم، تمرکز، تمرین و انجام سایر امور و اعمال لازمه که در اینجا لزومی به شرح و بسط آن نیست زیرا در دستورات روحی بیان شده است، بدیهی است بیشتر از هر چیز استعداد ذاتی است که همان سرشت و سرنوشت می باشد که اهم شرایط در توفیق را دارا خواهد بود.

آنگاه میدانیم آدمی و سایر مخلوقات هیچگاه مرده و نابود نشده و از بین نخواهد رفت چه مرگ تحولی بیش نیست (تحول به معنی حالی دیگر شدن، برگشتن و رجعت است) که قرآن مقدس در این باب می فرماید: وَ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا (اسراء ۸۵) و

تو را از حقیقت روح می پرسند ، جواب ده که روح به فرمان خداست و آنچه از علم به شما دادند بسیار اندک است . (تفسیر مرحوم آیت الله الهی قمشه ای)

روح امر یزدان مقتدر مهربان است، به امر او وارد بدن انسانی شده یعنی حلول کرده و مجدداً رجعت می کند و پس از تحول در قرب منزلت عالم لا یتناهی با قالب مثالی (پریسپری) جاوید و بر قرار و به شکل دیگر ادامه حیات خواهد داد.

اینک زندگی در رحم مادر را کلاس آمادگی و زندگانی در این کره را (زمین) به نام کلاس مقدماتی میدانیم و همین طور مرحله به مرحله در ترقی و تعلیم تربیت و ارتقاء و درک در بینش و فهم بیش از پیش میشوند الی غیر النهایه.

آدمی با دارا بودن **روح، قالب مثالی، جسم و سرشت و سرنوشت** در همین دنیا پر و بالی پنهان و نیرویی شگفت انگیز دارد که می تواند با تمرکز و تمرین و نیروی اندیشه مغزی و ابزار مادی در فضا پرواز کرده حتی به اختران دور دست مسافرت و جلای میهن نماید و در اتمسفر با ذرات پر تالو و درخشنده، به اصطلاح مخلوقات خارج از جو (فرشتگان) خو گرفته، همدم و هم صحبت شده، دوستی بر قرار کرده و با عواطف آدمیت زندگی سالم دیگری را برای زیست در این کره به مرور پیدا و بر قرار کند.

زیرا بهترین و والاترین آموزش دهنده اش یزدان مقتدرمهربان می باشد، و مدارج دانش، بینش، ادراک و فهم آدمی از طریق مکانیسم مغزی به وسیله تحرکات ذرات اتمی و ریزتر از آن بچرخش درآمده و دستگاه اندیشه و تمرکز قوای عقلانی و تمرین ، از دانشگاه عالی یزدانی تعلیم گرفته به مورد اجرا در می آورد و به نعمتها نائل و از لذائد گوناگون مادی و معنوی روحانی بهره مند میگردد.

دریافت و درک زیباییها و طراوتها که زینت بخش عالم خلقت است به مردم کره خاکی و غیر خاکی اشاره می کند و با اندیشه یاد آور است که یزدان خود را مشاهد کنید ، بشناسید و یکتا پرست شوید.

اگر نیروی قلبی را (گردش منظم خون) با قوای معنوی و روحی مجهز به نور عشق و ایمان و محبت به یزدان مهربان روشن و منور کنید آن وقت است که قابلیت فیض و رحمت را خواهید داشت، ارتباط و اتصال و **رؤیت** میسر است، آنگاه جهانی از بدایع و معانی و زیبایی وحدت نوین نور الانوار در وجود خود احساس می کنید و نور ذرات نوین هر فرد را سر چشمه ممکنات روشن هستی و توفیق خواهید دانست و در افق اندیشه جستجوی رموز خلقت را تعقیب خواهید کرد.

با تعریف و شرح فوق و اینکه دانستید (مرگ) تحوّلی بیش نیست، هنگامی که قالب مثالی (پریسپری) و روح از کالبد جدا میشوند، از تلالو و درخشندگی و شفافی شعاع های انوار تابناک ذرات نیروی الهی لذت روحی می برند، (لذتی که با این عالم دنیوی قابل مقایسه نمی باشد) آنوقت آگاه میشوند امور دنیوی نسبت به عالم دیگر چقدر ضعیف و عقب افتاده و نقش قالب مثالی حکایت از تأسف غفلت در حیات دنیوی است که اگر با لطف یزدان مهربان به وسیله ابزاری که در سرنوشت گذارده شده استفاده شایان می کرد و برخوردار می شد، چه اندازه پیشرفتش عالی و نمودار بود.

اینک می گویم در موقع رجعت بستگان و دوستان به پیشگاه جان آفرین مسرور و شاد باشید و دل از معتقدان به مرگ و نیستی بر گیرید زیرا حجاب و هجر موقتی است و تشنگان زلال دیدار و وصال ، برای هر فرد با ایمان به راستی ها و درستی ها به زودی معلوم و مبرهن می گردد.

یأس و نا امیدي، سوگواری، ناله و فغان بسیار نا مطلوب است. وضع ظاهری مراسم تعزیت در تحول انسانها، باقیمانده از زمانهای قدیمی است که با احساسات و عواطف شخصی و آنچه بر آن تعلق گرفته مخلوط گردیده یک روش و سنت مذموم بر خلاف عقاید همه ادیان و مذاهب و افراد مواجه و مرسوم شده است.

بدیهی است صاحبان حالت روحی و جریان قلبی و رفتار تکاملی که دارای عواطف **در تحولات آدمیان است خون سرد بوده** و از مسرت و نشاط زندگی دنیای دیگر که به قرب الهی منجر و نزدیک می شوند و زندگی پر ارزش تر و درخشندگی گرم نوئی می یابند ، خوشحال و شادمان می گردند.

هنگامیکه ایمان بر پایه معرفت قرار گیرد، عشق و علاقه و دلبستگی عمیق آدمی به بازگشت و رجعت به حق افزوده شده ، باعث فرح بخشی و انبساط خاطر است زیرا یک زندگی وسیعتر، پر نعمت تر و لذت بخش تری در مرحله تکاملی دریافت می کند که با ثبات و حقیقت و راحتی واقعی بسیار نزدیک می شوند و همه می گویند و احساس می کنند. آنکه تحول یافته از این نا آرامی و ناراحتی دنیا نجات یافته است و هرگاه با نیروی ما فوق ارتباط حاصل و برقرار شود و آدمی روحیه بالنسبه شکفته ای را دارا باشد می داند در تحولات آرامش ناگهانی برای شخص تحول یافته ایجاد می شود و از نعمت ، راحتی و آرامش روحی بهره مند می گردد. مردمان فهیم و مترقی از عیب و نقصی که در تعزیت امروز مرسوم است رنج می برند و آن را محکوم می دانند. باید آدمی به یک حقیقت عالی تر متوسل شده و آگاه باشد رجعت روح سزاوار شادی و مسرت است، نه سوگواری ، ناله ، گریه، ضجه، فریاد، خودآزاری و مردم آزاری و ناسپاسی که بدعت بسیار زشت و نامعقولانه به نظر می رسد.

باید دانست بدن آدمی پس از تحوّل در خاک تجزیه یافته و تحولات گوناگون پیدا می کند و روح و جان با عشق و علاقه ویژه ای به جان آفرین نزدیک و در فضای لایتناهی ادامه حیات می دهد و از این زندان غم انگیز خلاص میشود. بنابراین سیاه پوشیدن و مویه کردن و غذا به اغنیا دادن و تشریفات زائد، ناصواب و خطای محض خواهد بود. پس باید در موقع تحول سپاسگزار به درگاه یزدان مهربان بود و طلب مغفرت کرد، به هم تبریک و شاد باش گفت که شخص تحوّل یافته به مقام و مرتبه عالیتری رسیده است.

پس، از این هیاهو و جنجال، خودآزاری و مردم آزاری اجتناب ورزید. به خاطر بسپارید دنیای بعدی پردامنه تر است از آنچه تصویری رود.

در خاتمه این را هم بگویم قسمت اعظم دنیای دیگر فعلاً ناشناس و مجمل و نهفته و ذخیره برای بعد مانده است.

همه را به یزدان مقتدر مهربان می سپارم که آدمیان را از هر گونه خرافات و تعصبات خشک بی مورد نجات بخشد. یزدان یار و مدد دهنده شما باشد.

مقاله فوق که به قلم دانشمند معظم روشن فکر الهی حشمت الله دولتشاهی (حشمت السلطان) است چنان مرا مجذوب کرد که طبع را محرک آمد تا سخنانی به صورت نظم بیان دارم و همراه این کلمات پر ارج تقدیم خوانندگان گرامی کنم. امید که راهنمایی برای بشر امروز گردد.

نا سپاسی، گریه و سوگ و عزا ست
رنج یاران و کسان بس نا بجا ست
روح و جان با عشق جا ناندر فضا ست
پس سیه پوشیدن و مویه خطا ست
تسلیت دادن یقیناً نا رواست
این بهین کار است و هم رحمت فزاست
آن روش بگزین که یزدان را رضا ست
علی اشرف کشاورز

چون بحق برگشت کس، شادی سزااست
این تحوّل مایه خوشحالی است
کالبد در خاک اندر تجزیه
چون رها گردید از زندان تن
موقع تبریک گفتن بر هم است
کرد باید شکر بیهمتا خدای
بازگو اشرف بس است این هایهوی